

Policymaking of the Islamic Republic of Iran in securing the security of the South Caucasus with an emphasis on the Republic of Azerbaijan

Peyman Hosseini PhD student, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: paymanhosseini1@gmail.com

Abbas Moradi *Corresponding Author*, Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: azmoradi@gmail.com

Malik Zolqader Assistant Professor, Department of Political Science, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran. E-mail: malek.zolqadr@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Policymaking,
Security,
South Caucasus,
Republic of Azerbaijan,
Islamic Republic of
Iran.

ABSTRACT

This study showed that the scientific, cultural, economic, social and geopolitical cooperation between the two countries has not been sufficiently prosperous and Iran's security policy is based on geopolitical and economic interests and considerations, based on extroverted balancing, active defense and interaction and effective and powerful presence and security strategy are connected. The Islamic Republic of Iran does not have sufficient environmental knowledge and analysis of the new conditions of the Republic of Azerbaijan, and due to the involvement of extra-regional countries, it does not have a suitable option for security policymaking, especially in the fields of energy (oil and gas) in the Republic of Azerbaijan, and the two countries are on opposite sides. They do not agree on each other's movements in international relations, and they do not have cooperation and military agreements with each other. In the field of removing extra-regional forces, especially Israel from the South Caucasus region and the Republic of Azerbaijan, due to the support of the Islamic Republic of Iran to Armenia, our country have not achieved significant success.

Cite this Article: Hoseini, P., Moradi, A., & Zolghadr, M. (2024). Policymaking of the Islamic Republic of Iran in securing the security of the South Caucasus with an emphasis on the Republic of Azerbaijan. *International Relations Researches*, 14 (3), 73-95. doi: 10.22034/irr.2024.434315.2491



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.434315.2491



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان

پیمان حسینی دانشجوی دکترا، گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: paymanhoseini1@gmail.com

عباس مرادی نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: azmoradi@gmail.com

مالک ذوالقدر استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: malek.zolqadr@yahoo.com

در باره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان می‌باشد. این پژوهش، تحلیلی کیفی و از نوع پدیدارشناسی می‌باشد. جامعه آماری، اساتید دانشگاه و متخصصین وزارت امور خارجه بودند. مشارکت کنندگان به روش هدفمند و اشباع داده، انتخاب و پاسخ سؤالات که شامل ماهیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان چگونه است؟ و تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان از طرف جمهوری اسلامی ایران تابع چه شرایطی است؟ با مصاحبه‌های اکتشافی به دست آمدند. این بررسی نشان داد که، همکاری‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک بین دو کشور از رونق کافی برخوردار نبوده و سیاست امنیتی ایران بر پایه منافع و ملاحظات ژئوپلیتیکی و اقتصادی، براساس موازنه سازی برون گرا، دفاع فعال و تعامل و حضور مؤثر و مقتدر و راهبرد امنیتی به هم پیوسته می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران شناخت و تحلیل محیطی کافی از شرایط جدید جمهوری آذربایجان نداشته و به دلیل دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای، گزینه‌ی مناسبی جهت سیاست‌گذاری امنیتی به خصوص در زمینه‌های انرژی (نفت و گاز) در جمهوری آذربایجان نداشته و دو کشور با سمت و سوی حرکت یکدیگر در روابط بین الملل موافق نبوده و همکاری و پیمان نظامی با هم ندارند. در زمینه دور کردن نیروهای فرامنطقه‌ای، بخصوص اسرائیل از منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان، به دلیل حمایت جمهوری اسلامی ایران از ارمنستان، موفقیت چشم گیری برای کشورمان حاصل نشده است.
کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، امنیت، قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران.	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵	

استناد به این مقاله: حسینی، پیمان، مرادی، عباس، و ذوالقدر، مالک. (۱۴۰۳). سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز

جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۷۳-۹۵. doi: 10.22124/WP.2024.24298.3176

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز تغییر یافت و به یکی از بی ثبات ترین مناطق جهان با خلاء قدرتی تبدیل شد و به صحنه کشمکش بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل گردید و این موجب گردید که امنیت همکاری جویانه در قفقاز با موانع و مشکلاتی چون: اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی مختلف در منطقه، اختلافات و رقابت کشورهای منطقه‌ای با بازیگران فرامنطقه‌ای؛ توزیع نابرابر قدرت در سطح منطقه و عدم توازن بین کشورهای مختلف؛ عدم اعتماد و اطمینان کشورها نسبت به یکدیگر؛ رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر سر منابع و انتقال انرژی؛ وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به بازیگران فرامنطقه‌ای؛ بلوک‌های متعارض قدرت و اتحادهای نظامی متضاد روبرو گردد. از طرف دیگر منطقه قفقاز جنوبی از جایگاه و منزلت بالایی به دلایل، قرار گرفتن قفقاز در اولویت سیاست خارجی کشورمان به دلیل مجاورت با دریای خزر؛ داشتن اهمیت و ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه قفقاز؛ دارا بودن مرز مشترک کشورمان با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان که هم در ساحل دریای خزر بوده و هم دارای منابع غنی نفت و گاز است؛ دارا بودن تاریخ و فرهنگ مشترک کشورمان با سه کشور قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان)؛ مسیر استراتژیک انتقال انرژی به اروپا برای کشورمان از طریق قفقاز جنوبی؛ دارا بودن اهداف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است، لذا جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به مسائل امنیتی این منطقه بی‌توجه باشد. انگیزه و هدف اصلی ایران در قفقاز، تأمین و تضمین منافع دفاعی و رفاهی، از طریق راهبرد موازنه‌سازی، میانجیگری، همکاری و همگرایی کارکردی - اقتصادی، و امنیت همکاری جویانه است و از این رو، منافع دفاعی جمهوری اسلامی ایران شامل حفظ تمامیت ارضی، وحدت و حاکمیت ملی، استقلال و موجودیت نظام جمهوری اسلامی می‌شود، حال این سؤال مطرح می‌شود که ماهیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز چگونه است؟

جمهوری آذربایجان اهمیت فزاینده‌ای در سیاست خارجی ایران دارا می‌باشد. به دلیل همسایگی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی، این دو کشور نمی‌توانند نسبت به مسائل امنیتی یکدیگر بی‌توجه باشند. در روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عوامل همگرایی گوناگونی وجود دارد که جهت گیری دو کشور نسبت به هم را شکل می‌دهد. دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران، دارای ریشه‌های ارتباطی بسیار قوی می‌باشند و جمهوری اسلامی ایران دارای امکانات وسیعی برای توسعه بیش از پیش روابط بین دو کشور است و در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز روابط



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تلاش داشته است تا از تمامیت ارضی، وحدت و حاکمیت ملی و امنیت مرزهای شمالی خود محافظت نماید. مناقشهی ایران با آذربایجان بر سر حوزه نفتی البرز نیز بیش از آنکه حاکی از توسعه طلبی ایران باشد، بیانگر سیاست دفاع فعال آن از قلمروی سرزمینی خود است. رویکرد واقع گرایی تدافعی اصلی‌ترین روند و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان است، زیرا، جمهوری اسلامی در پی تعقیب و تأمین اهداف و منافع غیرامنیتی نمی‌باشد و سیاست امنیتی ایران براساس موازنه سازی برون گرا بوده و عملکرد ایران در زمینه حوزه‌ها و منابع نفتی در دریای خزر کاملاً تدافعی است و در قالب دفاع فعال و مؤثر می‌باشد و سیاست امنیتی ایران در قفقاز بر راهبرد امنیت به هم پیوسته مبتنی است زیرا امنیت ملی ایران به امنیت و ثبات در قفقاز وابسته است، به طوری که هرگونه ناامنی و بی ثباتی در منطقه مستقیماً بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد، چون نوعی وابستگی متقابل امنیتی بین ایران و منطقه قفقاز وجود دارد.

پژوهش حاضر در پی بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان بوده و ابتکار و نوآوری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه در این است که بررسی حاضر از دیدگاه متخصصین وزارت امور خارجه و فرهیختگان دانشگاهی انجام شده و نتایج مصاحبه‌های آن‌ها نشان دهنده نوع سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان می‌باشد، چرا که این افراد از اشراف بالا در زمینه مسائل سیاسی امنیتی بوده و این عامل نقطه قوت این پژوهش می‌باشد.

۱. چارچوب تحلیلی و پیشینه پژوهش

امروزه نقش هر کشور در سیاست‌های جهانی، تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی است و جغرافی دانان سیاسی معتقدند که قدرت هر کشور به شدت از محیط جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. منطقه قفقاز جنوبی از جایگاه و منزلت بالایی در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این اهمیت و اولویت حاصل عوامل متعدد و مختلفی است، که به شرح زیر هستند: اول، قفقاز در همسایگی ایران قرار دارد و براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، همسایگان در اولویت سیاست خارجی کشور قرار دارند. بویژه، قفقاز در مجاورت دریای خزر قرار گرفته که حائز اهمیت استراتژیک برای جمهوری اسلامی است. دوم، منطقه قفقاز از لحاظ موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی، از اهمیت و ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک برخوردار است. برآیند و ترکیب این دو عامل توجه قدرتهای بزرگ و بازیگران بین المللی را به قفقاز جلب می‌کند. سوم، جمهوری اسلامی ایران دارای مرز مشترک با کشورهای منطقه قفقاز



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی، مؤلفه‌های بنیادین ساختار منطقه قفقاز جنوبی را دستخوش تحول اساسی قرار داده و تبیین روندهای جدید در منطقه از نظر سیاست‌گذاری مطلوب در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. الماسی (۱۴۰۱) نشان داد جمهوری اسلامی در بحران قره باغ بدون جانبداری از طرفین درگیر سیاست‌های خود را در راستای کاهش تنش میان دو کشور جهت داده است. جواهری، نیلفروشان و نقی زاده (۱۴۰۱) نشان دادند جمهوری اسلامی ایران، روسیه و چین را بر آن داشته تا سیاست خارجی و نگاه دفاعی و امنیتی خود را در جهت همگرایی منطقه‌ای نزدیک ساخته و به فکر ایجاد الگویی جدید بر اساس تهدیدات مشترک و ارائه ایده تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به منظور ایجاد بازدارندگی و نیز تقابل با افراط‌گرایی موجود در منطقه در قالب گروه‌های تکفیری باشند. رجبی (۱۴۰۱) نشان داد جمهوری آذربایجان با استفاده از راهبرد موازنه تهدید در سطح داخلی و منطقه‌ای توانسته است الگوی رفتاری خود را در رویارویی با برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تنظیم کند. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر ایران کنشی و در برابر اسرائیل واکنشی است. الهی‌نیا و محمدی (۱۴۰۱) نشان می‌دهند بحران قره‌باغ به سبب فضای تنش آمیز در نزدیکی مرزهای ایران شامل انواع تهدیدات بوده و از میان پنج بعد امنیت به لحاظ دخالت و نفوذ اسرائیل و گروه‌های تروریستی در این منطقه بعد امنیت نظامی برجسته‌تر از سایر ابعاد دیگر امنیت است. محبوبی، موسوی و عزیز موسوی (۱۴۰۰) نشان دادند جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در منطقه از جمله اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی و تقویت دیپلماسی عمومی تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کند. نجفی سیار و ابراهیمی (۱۴۰۰) نشان دادند برهم خوردن موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و توافق‌نامه آتش‌بس ناشی از آن در ابعاد مختلف به شکل ایجابی و سلبی بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. کلانتری و کاویانی فر (۱۴۰۰) نشان دادند در قفقاز جنوبی تهدیدهای امنیتی و اقتصادی / ژئواکونومیکی، اولویت بالاتری دارند. هاشمی، قربانی نژاد، یزدان پناه درو و نامی (۱۴۰۰) نشان دادند ایران باید برای کسب جایگاهی برتر از رقبای خود و تأمین امنیت و منافع ملی خود به دور از برخوردهای قهر آمیز روسیه، راهبردهایی مبتنی بر پیوند منافع خود با کشورهای قفقاز را مدنظر قرار دهد و به مرحله عملیاتی شدن برساند. کولایی و جوکار (۱۳۹۹) نشان دادند نگاه جمهوری اسلامی ایران به روابط با سه کشور گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان از زمان استقلال این کشورها همیشه ایجابی و با هدف بهره‌وری بوده است. با این حال، روابط اقتصادی با این کشورها با وجود ظرفیت‌ها و زمینه‌های فراوان همکاری، هیچگاه به نقطه مطلوب خود نرسیده است. حسین پور



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تجاری، سیاسی و امنیتی در سطحی مطلوبی قرار ندارد. جلیوند و قربانی (۱۳۹۳) نشان دادند اسرائیل به عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای بنا به الزامات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود و بر اساس دکترین بن‌گوریون و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، تمایلی جدی به حضور در این منطقه را از خود نشان داده است که قرار گرفتن منطقه قفقاز در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تعارضات شدید هویتی-ایدئولوژیکی این کشور با اسرائیل می‌باشد. عباسی و موسوی (۱۳۹۲) نشان دادند از زمان فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، روابط تهران-باکو به طور معمول در سطح مطلوبی قرار نداشته است و در حال حاضر هم قرار ندارد. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹) نشان داد سیاست امنیتی ایران بر منافع اقتصادی و امنیتی مبتنی بر الزامات ژئوپلیتیک استوار است تا آرمانها و ارزش‌های ایدئولوژیک و ایران برای تأمین و تضمین این اهداف و منافع، استراتژی امنیتی چند بعدی و چند وجهی را اتخاذ و اعمال کرده است. مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور (۱۳۸۷) نشان دادند که سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان و تا حدودی عدم استراتژی مدون و هدفمند از طرف جمهوری اسلامی ایران باعث شده است تا واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی مثبت و پیوند دهنده، به حد کافی نتوانند روابط نزدیکی بین طرفین ایجاد کنند. شیخ علیثف (۲۰۲۳) با بررسی سیاست ایران در ارمنستان و آذربایجان نشان داد که با توجه به اینکه فضای جدید ژئوپلیتیکی باعث افزایش نفوذ آذربایجان و ترکیه در منطقه به عنوان بخشی از همکاری آنها شده است، ایران از این وضعیت کاملاً آشفته است.

علاوه بر این، تقویت اتحاد استراتژیک بین ترکیه و آذربایجان و گسترش همکاری و یکپارچگی در جهان ترک به طور کلی مطرح می‌شود. در مجموع، اتحاد ترک‌ها دلیل اصلی ناتوانی ایران در درک واقعیت‌های ژئوپلیتیک کنونی در منطقه است. ایران قطعاً اتحاد ترک‌ها را یک تهدید می‌داند. از این رو به جای حمایت از آذربایجان، همواره از ارمنستان حمایت کرده است و در حال حاضر نیز چنین است. اگرچه ایران قطعاً حق حاکمیت خود را برای دنبال کردن سیاست خود و برقراری روابط نزدیک با ارمنستان محفوظ می‌دارد، اما با طرفداری، حمایت از این کشور و ایراد اتهامات سرکش، نگرش حسن همجواری طاهران در قبال آذربایجان را زیر سؤال می‌برد. قیزیل یورت (۲۰۲۳) فرمت و سالهای شکل گیری «دیپلماسی میدانی جهادی» ایران در آذربایجان را بررسی نمود و نشان داد که اولاً، پس از میانجیگری ناموفق دیپلماتیک بین ایروان و باکو در می ۱۹۹۲، ایران تلاش‌های نظامی و ایدئولوژیک خود را در آذربایجان تشدید کرد. ثانیاً، در جریان کودتای ژوئن ۱۹۹۳، ایران از سرهنگ حسینوف، رهبر کودتای طرفدار روسیه حمایت کرد و سعی کرد او را متقاعد کند تا با علی اف کمونیست سابق علیه



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اشباع داده؛ تجربیات و نظریات اساتید دانشگاه‌ها و متخصصین وزارت امور خارجه کشور جمع آوری شد. لازم به ذکر است که در اجرای پژوهش تمام ملاحظات اخلاقی و محرمانه بودن مصاحبه‌ها مدنظر محققین بود و به هیچ عنوان اجبار یا اصراری برای شرکت در مصاحبه و پاسخ‌گویی به سؤالات اعمال نشد و جهت حفظ اطلاعات افراد مورد مصاحبه و رعایت نکات محرمانه، از آنها خواسته شد بدون اسم به سؤالات پاسخ دهند. سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

ماهیت سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان چگونه است؟

آیا ماهیت سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک نهفته است؟

ماهیت و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان چیست؟ جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه شناخت و تحلیل محیطی کافی از جمهوری آذربایجان را دارد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران ابزار و گزینه‌های لازم جهت سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان را دارد؟

تأمین امنیت قفقاز جنوبی بخصوص جمهوری آذربایجان از طرف جمهوری اسلامی ایران تابع چه شرایطی است؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های انرژی (نفت و گاز) اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های مرزی و نظامی اجرا می‌گردد؟

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق دور کردن نیروهای بیگانه بخصوص اسرائیل از منطقه اجرا می‌گردد؟

آنالیز نتایج با روش تحلیل مصاحبه‌ها و با استفاده از روش پدیدارشناسی صورت گرفت. هدف پژوهش پدیدارشناسی، توضیح صریح و شناسایی پدیده‌ها است آنگونه که در موقعیتی خاص توسط افراد ادراک می‌شوند. براساس دسته‌بندی پارادایم‌های «بوریل و مورگان» پدیدارشناسی در دسته «پارادایم‌های



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



روسیه، اسرائیل، اتحادیه اروپا و ترکیه) مصون نبوده است. در ایران تاکنون سیاست منسجمی در جهت گسترش همکاریهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک با کشورهای قفقاز جنوبی شکل نگرفته است و این در حالی است که توانمندیهای کشورمان در بسیاری از زمینههای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک در سطحی بسیار بالاتر از همسایه شمالی قرار دارد و برای جمهوری آذربایجان نیز تأمین نیازهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکش از ایران مقرون به صرفه تر خواهد بود. استانهای هم جوار و هم زبان این جمهوری که در حال حاضر توافقهایی نیز با طرف آذربایجانی، روی کاغذ دارند می‌توانند نقش مؤثری در این زمینه‌ها ایفا کنند و همکاری و هماهنگی وزارت علوم، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد با دستگاه سیاست خارجی در این راستا ضروری است (محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷؛ کولایی و علی زاده، ۱۳۹۶؛ عباسی و موسوی، ۱۳۹۲؛ مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور، ۱۳۸۷).

ماهیت و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در در منطقه قفقاز جنوبی و جمهوری آذربایجان چیست؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که سه نوع ماهیت ایدئولوژیک، واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی نسبت به ماهیت و رفتار سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز، قابل تصور و شناسایی است. رویکرد ایدئولوژیک، که براساس این رویکرد، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه به وسیله ایدئولوژی و گفتمان اسلامی هدایت می‌شود. رفتار و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قفقاز به خوبی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه گفتمان ایدئولوژیک بر سیاست امنیتی آن در این منطقه حاکم نبوده یا حداقل به منزلت هژمونیک نرسیده است. زیرا، برخلاف انتظارات و الزامات این گفتمان، ایران به اتحاد استراتژیک با ارمنستان و روسیه مبادرت ورزیده، از آذربایجان و جدایی طلبان چنین حمایت نکرده و در صدد بسط و گسترش ارزشهای اسلامی و صدور انقلاب اسلامی در قفقاز برنیامده است. در نتیجه، سیاست امنیتی ایران در منطقه باید دارای انگیزه‌ها و اهدافی غیرایدئولوژیک باشد. رویکرد واقع‌گرایی، که براساس این رویکرد، سیاست امنیتی ایران در قفقاز ماهیتاً تهاجمی است، یعنی سیاست امنیتی ایران ماهیتی تجاوزگر، توسعه طلب، فرصت طلب و مخرب دارد. رویکرد واقع‌گرایی تدافعی سومین رویکرد نظری به ماهیت سیاست امنیتی ایران در قفقاز و اصلی‌ترین روند و هدف جمهوری اسلامی ایران از سیاستگذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان است،



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آشکار می‌شود که کشور جمهوری آذربایجان یک کشور معمولی و همسایه عادی برای کشور جمهوری اسلامی محسوب نمی‌شود. پس تصمیم گیران، سیاست گذاران و سیاست مدران حکومتی باید بر تأثیرات امنیتی و ژئوپلیتیک از طرف همسایه شمالی خود بر فضای جغرافیایی - سیاسی کشور واقف باشند و سیاست‌ها و استراتژی‌های خود را بر اساس شناخت و آگاهی از مسائل موجود بین دو کشور تنظیم کنند، و این نشان دهنده این واقعیت است که متاسفانه جمهوری اسلامی ایران هیچ شناخت و تحلیل محیطی مناسب و کافی از جمهوری آذربایجان را ندارد و همیشه به این کشور به چشم تکه‌ای از خود که در جنگ با روسیه تزاری از دست داده است می‌نگرد و این باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران درقبال کشور ژئوپلیتیک و مهم جمهوری آذربایجان، سیاست درست و اصولی و مناسبی نداشته باشد. عدم استراتژی مدون و مشخص از طرف جمهوری اسلامی ایران و سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان باعث شده است تا این کشور منافع ملی خود را در ماورای حوزه جغرافیایی مشترک دو همسایه دنبال کند و تا حدود زیادی واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی موجود بین دو کشور را نادیده بگیرد. این موضعگیری آذربایجان، سیاست‌گذاران و تصمیم گیران ایران را در هاله‌ای از سردرگمی در تدوین طرح‌ها و استراتژی‌های مرتبط با منافع ملی خود قرار داده است. این وضعیت حاکم بر روابط بین دو کشور باعث شده است تا عامل همسایگی بیش از آنچه باعث نزدیکی دو کشور براساس منافع ملی مشترک شود، دو کشور را در موضع برخورد و مقابل قرار دهد (رشیدی، ۱۴۰۲؛ اصولی اودلو، ۱۴۰۲؛ الهی نیا و محمدی، ۱۴۰۱؛ موسوی شهیدی و احمدی کروچ، ۱۳۹۸؛ تیشه یار و بهرامی، ۱۳۹۷؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹).

آیا جمهوری اسلامی ایران ابزار و گزینه‌های لازم جهت سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری آذربایجان را دارد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که متاسفانه عدم وجود استراتژی مدون و هدفمند از طرف جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتباط صحیح و روراست با جمهوری آذربایجان و از طرف دیگر سیاست عدم سازش جمهوری آذربایجان با استراتژی‌های ناصحیح جمهوری اسلامی در منطقه قفقاز و عدم حمایت کشور شیعی ایران از همسایه شیعی خود یعنی آذربایجان، باعث شده است تا واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی مثبت و پیوند دهنده، نظیر همسایگی و مذهب، تجانس جمعیتی، منافع مشترک در منطقه، وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک و اشتراکات فرهنگی و تاریخی و ... به حد کافی نتواند روابط نزدیکی بین طرفین بوجود آورد. استراتژی سیاست



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تحركات ضد ایرانی و پان ترکیستی آذربایجان در مناطق آذری زبان در ایران. به طور کلی عمل گرایي تهران و تأکید آن بر ثبات در قفقاز و آذربایجان، به جهت ظرفیت ترانزیتی این منطقه، رویکرد و هدف اصلی تهران در تعامل با همسایه شمالی خود است. پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل های جغرافیایی ایران و تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران مورد نظر می باشد. وابسته سازی کشورهای محصور در خشکی قفقاز که نیازمند موقعیت گذرگاهی ایرانی برای خروج از تنگنای ژئوپلیتیکی هستند در مدت کوتاهی اهرم فشار قوی به دست بیاورد که باعث ثقل قدرت در ایران می گردد. از طرفی کشورهای در حال توسعه قفقاز نیازمند منابع معدنی و فسیلی ایران هستند که این امر می تواند بستر مناسبی برای جذب سرمایه های خارجی و محرکی برای رونق اقتصاد داخلی ایران می شود. جهت بهبود سیاست منطقه گرایي ایران در قفقاز باید موارد زیر مدنظر قرار گیرند: ایجاد رویکرد جدید و منعطف در سیاست خارجی، پیوند منافع کشورهای منطقه با توجه به پتانسیل های جغرافیایی ایران، قلمرو سازی جدید با توجه به ماهیت مناطق جغرافیایی، بازنگری در نوع عملکردها در قلمرو سازی فرهنگی مذهبی سیاسی، تمرکز بر متحد گزینی با توجه به نیازهای کشورها به منابع طبیعی ایران، راهبرد یکپارچگی افقی رو به جلو جهت اعمال کنترل و نفوذ در فرآیند مشارکت بین المللی، ایجاد قراردادهای سرمایه گذاری بین المللی در امر ساختارهای مادر در صنایع و بالا بردن سطح مشارکت اقتصادی فرهنگی در سطوح مختلف فرو ملی، ملی و فراملی (محبوبی، موسوی و عزیز موسوی، ۱۴۰۰؛ کولایی و جوکار، ۱۳۹۹؛ راه نجات و کبیری، ۱۳۹۷؛ کولایی و علی زاده، ۱۳۹۶؛ عباسی و موسوی، ۱۳۹۲؛ مجتهدزاده، حسین پور پویان و کریمی پور، ۱۳۸۷).

آیا سیاست گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه های انرژی (نفت و گاز) اجرا می گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که جمهوری آذربایجان، یکی از قدیمی ترین مناطقی می باشد که دارای منابع نفت در جهان است. بیش از ۱۰۰ سال است که نفت این جمهوری بطور مستمر مورد استخراج و بهره برداری قرار می گیرد. در دو سوم مساحت جمهوری آذربایجان منابع عظیمی از نفت و گاز وجود دارد. حوزه های بزرگ نفتی جمهوری آذربایجان در مناطق فراساحلی دریای خزر واقع شده اند. از نظر ژئوپلیتیکی نفت جمهوری آذربایجان همیشه دارای اهمیت بوده است. موضوع مسیرهای انتقال نفت جمهوری آذربایجان و در کنار آن نفت قزاقستان و گاز طبیعی ترکمنستان به بازارهای جهانی در حال حاضر غلبه ماهیت سیاسی بر ماهیت اقتصادی آن، از مهمترین



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ایران موافق نیست. گرایش غربی جمهوری آذربایجان، این کشور را به مخالفت با گذر خطوط لوله انتقال نفت از طریق ایران و روی آوردن به غرب و گزینش خط لوله باکو - جیحان کرده است. با توجه به اینکه بین جمهوری آذربایجان و ترکیه بر مبنای پیمان شوشا قرارداد نظامی متقابل امضا شده است و از طرف دیگر اسرائیل به عنوان یکی از متحدان آذربایجان مطرح است و همچنین پاکستان و تمامی کشورهای تورک زبان در کنار آذربایجان هستند، لذا با این تفاسیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق زمینه‌های مرزی و نظامی هیچ گونه سیاستگذاری امنیتی نداشته و تمامی اقدامات جمهوری اسلامی ایران در داخل مرزهای قانونی خود بوده و از طرف دیگر دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در راستای برگزاری مانورها و رزمایشهای نظامی با یکدیگر به تازگی قراردادهای نظامی را امضا نمودند ولی به مرحله اجرایی درنیامده است و این در حالی است که دو کشور ترکیه و آذربایجان در طول سال چندین رزمایش و مانور نظامی برگزار می‌کنند (جعفری نیا، کاظم پور و مددی، ۱۴۰۲؛ رشیدی، ۱۴۰۲؛ اصولی اودلو، ۱۴۰۲؛ جواهری، نیلروشان و نقی زاده، ۱۴۰۱؛ بزرگمهری و طباطبایی، ۱۳۹۶؛ ابراهیمی و اصولی، ۱۳۹۵؛ فلاحت پیشه، شربت‌ی و مظفری، ۱۳۹۴).

آیا سیاستگذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان از طریق دور کردن نیروهای بیگانه بخصوص اسرائیل از منطقه اجرا می‌گردد؟

نتایج بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته از دیدگاه محققین و متخصصین نشان داد که نخستین مبنای نزدیکی جمهوری آذربایجان و اسرائیل موقعیت ژئوپلیتیکی، مبنای دوم همکاری نظامی و اطلاعاتی، به ویژه با توجه به مناقشه قره باغ و سرانجام فرصت اقتصادی دوجانبه است. در سطح ژئوپلیتیک، معرفی ایران به عنوان دشمن مشترک، مهم‌ترین عنصر متحد کننده باکو و تل آویو است. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در برابر جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، نتیجه عوامل متعددی همچون دشمنی سیاسی حاکمان، بی اعتمادی تاریخی، رقابت و نیازهای راهبردی است که همزمان با هم در حرکت هستند و در مواردی تداخل پیرشرانی دارند. ایجاد رابطه با رقیبان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران و ارائه فرصتهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی به آنها برای تهدید منافع ایران و تأکید بر جغرافیای قومی و خطر تجزیه طلبی در بخشهای ترک نشین ایران از این اقدامها است که رابطه با اسرائیل را در همین چارچوب قابل ارزیابی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران همیشه شرط حل مشکلات منطقه را خروج نیروهای فرمانطقه‌ای از قفقاز جنوبی بیان نموده است، اما متأسفانه در جنگ اول و دوم و جنگ یک روزه قره باغ (فتح خان کندی و ...)، جمهوری اسلامی ایران با حمایت از ارمنستان، ارسال سلاح به این



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بین کشورهای منطقه قفقاز به معنای توزیع نابرابر قدرت بین آنها، مانع دیگری است که امنیت همکاری جویانه را دشوار می‌سازد. حس بی اعتمادی و عدم اطمینان کشورهای منطقه به یکدیگر به عنوان مهمترین پیش شرط یک نظام امنیت همکاری جویانه پنجمین مانع به شمار می‌آید و ششم، رقابت بازیگران فرامنطقه‌ای و قدرتهای بزرگ بر سر منابع و انتقال انرژی، وابستگی امنیتی منطقه به قدرتهای فرامنطقه‌ای، بلوک بندی‌های متعارض قدرت و اتحادها و ائتلافها نظامی متقابل و متضاد، کنار گذاشتن بعضی از بازیگران منطقه‌ای، از جمله ایران، از ترتیبات و ساختارهای امنیتی و نظامی شدن منطقه و مسابقه تسلیحاتی بین آذربایجان و ارمنستان، موانع دیگری هستند که شکل گیری نظام امنیت همکاری جویانه در قفقاز را بسیار سخت و مشکل می‌سازند، از این رو، می‌توان ادعا کرد که همانگونه که ایجاد و استقرار ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بدون مشارکت بازیگران منطقه‌ای امکانپذیر نیست، شکل گیری یک چنین نظم امنیتی بدون مساعدت بازیگران فرامنطقه‌ای نیز غیرممکن است. لذا، برقراری صلح و امنیت در قفقاز مستلزم تشریک مساعی، مشارکت و مساعدت کلیه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذریبط بر مبنای منافع مشترک و احترام متقابل می‌باشد. ایران نیز باید در این روند در کنار کشور مسلمان آذربایجان که با هم دارای مشترکات فرهنگی، دینی، زبانی، تاریخی و ... هستند قرار گیرد و با حفظ رویکرد صلح طلبانه مانع از زورگویی برخی کشورهای منطقه (ارمنستان) با اتکا به نیروهای خارج منطقه‌ای (فرانسه و آمریکا) گردد و حتی اجازه ورود سلاح‌های جدید از کشورهای فرامنطقه‌ای (هندوستان) به کشورهای در حال نزاع (ارمنستان) گردد چرا که این روند منجر به بدبینی در بین همسایگان (آذربایجان و ترکیه و اسرائیل) شده و خود این امر منجر به ایجاد چند بلوکی در منطقه و دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی شده و منجر به رشد و توسعه تهدیدات خواهد شد. کشور جمهوری اسلامی ایران باید در زمینه سیاستگذاری امنیتی خود در منطقه قفقاز جنوبی با رویکرد آذربایجان، باید در قدم اول مناسبات تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و ... را مدنظر قرار داده و در راستای توسعه امنیت در منطقه که منجر به تقویت امنیت خود ایران نیز می‌شود، از رفتار دوسویه در قبال همسایگان پرهیز نموده و با دید اهمیت و احترام به همسایگان بخصوص آذربایجان نگرسته و از این کشور حمایت‌های لازم را بنماید تا این کشورها از وارد نمودن قدرتهای فرامنطقه‌ای به قفقاز جنوبی پرهیز نمایند و با رفتاری یکسان در قبال هر دو همسایه (آذربایجان و ارمنستان) همیشه نقش میانجی را داشته و مانع از جنگ در منطقه شوند و با ایجاد صلح باعث رونق منطقه و مناسبات بین کشورها شود. پژوهش حاضر در زمینه اجرایی با محدودیت‌های زیر رو به رو بود: در تعمیم نتیجه حاصله به سایر



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تیشه یار، ماندانا و بهرامی، سمیه. (۱۳۹۷). سیاست خارجی عمل‌گرایانه ایران در قفقاز جنوبی در فضای پابرجام. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱(۱): ۲۳-۳۸.

جعفری نیا، عباس، کاظم پور، ذکریا و مددی، سعید. (۱۴۰۲). ترتیبات امنیتی ناظر بر قفقاز جنوبی (فرصت‌ها و چالش‌های آینده). آینده‌پژوهی دفاعی، ۸(۲۸): ۵۷-۸۹.

جلیلودن، محسن و قربانی، فاطمه. (۱۳۹۳). تأثیرات حضور اسرائیل در آسیای میانه و قفقاز بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۲): ۱-۲۴.

جوهری، مهدی، نیلفروشان، عباس و نقی‌زاده، حمید. (۱۴۰۱). سیاست‌گذاری دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با افراط‌گرایی اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی در مقطع زمانی پیش رو (سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰). فصلنامه محیط راهبردی، ۶(۱): ۱۳۶-۱۶۲.

حسین پور، زهرا. (۱۳۹۹). واکاوی عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها). مطالعات منافع ملی، ۲۲: ۹۱-۱۱۲.

حسینی تقی‌آباد، سید مهدی و عزیززاده، شیوا. (۱۳۹۸). دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۰(۴): ۱-۲۴.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۶(۱۷): ۲۰۸-۲۳۹.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات کنفرانس ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

راه‌نجات، میترا و کبیری، حسن. (۱۳۹۷). واکاوی عوامل اقتصادی - امنیتی و آگرایی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۵): ۹۵-۱۳۳.

رجبی، محمد. (۱۴۰۱). راهبرد و الگوی رفتاری جمهوری آذربایجان در برهم‌کنش جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۱): ۵۳-۷۵.

رشیدی، احمد. (۱۴۰۲). کریدور میانی و منافع ایران در قفقاز جنوبی. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۹(۱۲۱): ۲۷-۵۴.

عباسی، مجید و موسوی، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۲): ۶۱-۸۰.

فلاح‌پیشه، حشمت‌اله، شربت‌ی، وحید و مظفری، محمد مهدی. (۱۳۹۴). سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۲): ۳۷-۶۰.

قربانی، مهدی و رئیس‌نژاد، آرش. (۱۴۰۲). سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ: عوامل و رویکرد. سیاست جهانی، ۱۲(۱): ۱۹۹-۲۳۴.

کلانتری، فتح‌الله و کاویانی فر، پیمان. (۱۴۰۰). پویش‌های تهدیدزای منطقه قفقاز جنوبی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۴(۵۲): ۱۸۵-۲۰۶.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی